

شناخت چهره شوم شیطان بزرگ، آمریکا



محمد تقی صرفی پور



«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا
شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ
كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ. وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمُ الْأَئِمَّةَ وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»⁴ و 5 مائده

حقیقتاً فرعون مستکبر زمین است و مردم را استعمار کرده
و مردانشان را کشته و زنانشان را زنده نگه می دارد. او فساد کننده
بر روی زمین است و ما اراده می کنیم که بر مستضعفین ممت نهاده و
آنها را سروری بخشیده و حکومت زمین به آنها ببخشیم.

حمد و ستایش مخصوص خداوند حکیم و توانا
است و صلوات و سلام الهی بر محمد (ص) و آل او باد.

در هر قرنی همیشه در مقابل حق، باطل و در مقابل
مستضعفین، مستکبرین اولیاء خدا، شیاطینی بوده اند که بین این دو
گروه جنگ و مبارزه وجود داشته است. اگر در زمان پیامبر
اسلام (ص) ابو جهل ها و ابولهب ها و ابوسفیان ها بوده اند، در این قرن
ابر قدرتهای شرق و غرب وجود داشته اند که به ظلم و تعدی و جنایت

بر ملت ها مشغول بوده اند. و البته خداوند سرنوشت ملتی را عوض نخواهد کرد مگر خود آن ملت سرنوشت خود را عوض کنند.

در زمان حاضر که ابر قدرت شرق با عنایت الهی از هم پاشیده شده است، درگیری ها و جنگ ها و مبارزه ها به جنگ بین ابر قدرت غرب به نمایندگی شیطان بزرگ آمریکا از یک طرف و قدرت اسلام به نمایندگی انقلاب اسلامی ایران از طرف دیگر کشیده شده است و همانطور که امام فرمودند چون آمریکا از اسلام سیلی خورده است لذا با تمام توان خود سعی در شکست اسلام و انقلاب و مسلمانان واقعی دارد. مخصوصاً اینکه انقلاب اسلامی نه از طریق مرزهای زمینی و هوایی و دریایی بلکه از راه دلها به خود مرکز شیطان بزرگ کشیده شده است و هزاران نفر از مردم کشورهای غربی به اسلام روی آورده اند و از شیطان بزرگ روگردانده اند. که در آخر این نوشتار تحت عنوان اسلام در قرن 21 به گوشه هایی از این هدایت الهی و تابیدن نور ایمان در دل شهروندان غربی اشاره می شود.

در هر حال در قرن 21 جنگ اصلی بین شیطان بزرگ از یک سو و انقلاب اسلام و کشورهای اسلامی از سوی دیگر است. لذا

از باب دشمن شناسی لازم است که با گوشه هایی از چهره شوم
شیطان بزرگ بیشتر آشنا شویم.

بهار 1399. کرمانشاه

پیشینه تاریخی آمریکا

ایالات متحده آمریکا، پس از روسیه، کانادا و چین، چهارمین کشور پرجمعیت جهان است این کشور، دارای 50 ایالت است که 48 تای آن در آمریکای شمالی و 2 ایالت دیگر، آلاسکا در شمال، و جزایر هاوایی در اقیانوس آرام قرار دارد. سرزمین اصلی آمریکا، از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام امتداد یافته است و در آن رشته کوههای نسبتاً زیاد و حوضه‌هایی به چشم می‌خورد که عمیق‌ترین نقطه آمریکا - دره مرگ - و همچنین - گراند کانیون - دره بزرگی که به واسطه عبور رود کلرادو به وجود آمده در آن واقع شده است 0 در بخشهای شرقی، قله‌های مرتفع کوههای راکی قرار دارند که از کانادا تا مکزیک ادامه یافته است در پشت این کوهها، جلگه‌های بسیار حاصلخیزی وجود دارد که رودخانه بزرگ می‌سی‌سی‌پی در آن جریان دارد 0 کوههای دیگری به نام آپالاش در بخشهای شرقی این کشور، به سمت جنوب امتداد می‌یابند 0»

«ایالات متحده، کشور نوپایی است 12 مستعمره اولیه تشکیل دهنده آن، در سال 1776 استقلال خود را از بریتانیا اعلام کردند. در اواسط سده 1800 میلادی وسعت این سرزمین، به حد کنونی خود رسید 0 کاشفان، سرزمینهای جدیدی را به مستعمره‌های اصلی اضافه کردند و مرز غربی آن، به اقیانوس آرام رسید 0 و این کشور در سال 1976، 200 ساله شد 0 اولین رئیس جمهور آمریکا، جورج واشنگتن نام داشت.»

جنايات امريکا در اقصی نقاط جهان

امام خمینی (رض):

دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات و سيعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد،

استثمار می نماید. او با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که گوء ی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. (صحیفه نور 13 ص) 83

امام خمینی (رض):

اگر امریکا نبود و این قدرت شیطانی نبود، اینهمه فساد در بلاد مسلمین حاصل می شد؟ اینهمه خونریزی هایی که در بلاد مسلمین می شود با تحریکات امریکا است امریکا و آنهایی که با او هستند، اینطورند (16 ص) 21

(مطالب این بخش از کتاب «از جورج واشنگتن تا جورج بوش» نوشته احمد ساجدی انتخاب شده است.)

آنچه امروز بعنوان «ایالات متحده امریکا» شناخته می شود، در قرن پانزدهم میلادی توسط دریانوردان اسپانیایی بعنوان سرزمینی که تنها سرخپوستان بومی در سواحلش زندگی می کردند، کشف شد. از سالهای میانی قرن شانزدهم به بعد، این سرزمین، تدریجاً میزبان مهاجرینی شد که از اروپا می آمدند. در همین قرن بود که قسمتهای عمده غرب آمریکای فعلی به تصرف قوای استعمارگر اسپانیا درآمد. در قرون بعد بتدریج قسمتهای شرق و شمال شرقی آمریکا به اشغال انگلستان و نواحی مرکزی آن به تصرف فرانسویها درآمد.

از سالهای اولیه قرن هفدهم رفته رفته شهرهای بزرگ آمریکا شکل گرفتند و از 1619 میلادی به بعد با ورود تدریجی میلیونها سیاه آفریقایی که توسط ملاکان و ثروتمندان اروپایی بعنوان برده به این سرزمین منتقل می شدند، بتدریج تبعیضات نژادی نیز در آمریکا رخ نمود.

انگلیسیها بیش از یک قرن بر شرق و شمال آمریکا حکومت کردند.

جنگهای استقلال آمریکا عملاً از نوزدهم آوریل 1775 با تیراندازی سربازان اشغالگر انگلیسی به یک گروه 60 نفره روستایی آمریکایی در شهر «لکزینگتون» آغاز شد. و در تاریخ سوم سپتامبر 1783 ایالات متحده بعنوان کشوری مستقل شناخته شد.

کشتار سرخپوستان!

نابودی و کشتار سرخپوستان آمریکا که از قرن هفدهم توسط اسپانیائیه‌ها، انگلیسیها و فرانسویان اشغالگر آغاز شده بود، در دوران حاکمیت جورج واشنگتن اولین رئیس جمهوری آمریکا نیز متوقف نشد. بسیج دستگاه رهبری واشنگتن برای نابودی سازمان یافته سرخپوستان از رویدادهای غم انگیز سالهای پس از استقلال

بشمار می‌رود. کشتار سال 1876 بدست ژنرال «اولیس گرانٹ» رئیس‌جمهور آمریکا، خشن‌ترین و هولناکترین کشتار سرخپوستان آمریکا محسوب می‌شد.

اگرچه در قانون اساسی و اعلامیه استقلال آمریکا به لزوم احترام به حق آزادی مردم اشاره می‌شود و واشینگتن و سایر زمامداران آمریکایی بعد از او بطور مکرر از لزوم دفاع از آن دم می‌زدند، اما نه فقط سرخپوستان که صاحبان اصلی آمریکا بودند از این حق برخوردار نگشتند، بلکه نیم میلیون سیاه‌پوست نیز - که 17 درصد جمعیت 3 میلیون نفری آمریکا را تشکیل می‌دادند - هرگز از این حق برخوردار نشدند.

جنگ با مکزیک

خوی توسعه‌طلبی آمریکاییها از بدو استقلال این کشور هیچگاه رکود و توقفی به خود ندیده است. بطوری که در حال حاضر این کشور در 190 کشور جهان دخالت مستقیم دارد. از جمله این موارد حمایت از تجزیه تکزاس که جزو کشور مکزیک بود و الحاق آن به آمریکا و الحاق نواحی کالیفرنیا، نوادا، یوتا، آریزونا و نیومکزیکو که جزو خاک مکزیک بودند و طی جنگی به خاک آمریکا الحاق

شد و در حقیقت در این جنگ در سال 1846 تا 48 چهل درصد خاک مکزیک ضمیمه آمریکا شد!

کوکلوس کلانها!

از جمله جلوه‌های خوی جنایت پیشگی قدرتها در آمریکا پدید آمدن سازمان تروریستی «کوکلوس کلان» در سال 1865 توسط جمعی از نژاد پرستان متعصب با هدف نابودی و ارباب سیاه پوستان در ایالت تنسی آمریکامی باشد. فعالیت این سازمان تروریستی بین سالهای 1866 تا 1869 بسیار وسیع و جنایت بار بود. در سالهای آخر قرن گذشته 2500 سیاه پوست آمریکا بدست اعضای این فرقه سفاک و خونریز ترور شدند. آنان با ماسکهای مخصوص سیاهان را ربوده و آنان را بر روی صلیب می سوزانند!

فعالتهای جنایتکارانه این فرقه تاکنون با قوت و ضعف ادامه داشته و تنها در سال 1983 در آمریکا 57 سیاه پوست سرشناس بوسیله عمال این فرقه جنایتکار بقتل رسیده اند. «مالکوم ایکس» رهبر مسلمانان سیاهپوست آمریکا و «مارتین لوتر کینگ» رهبر مسیحیان سیاه پوست این کشور دو نمونه از برجسته ترین سیاه پوستان

آمریکا بودند که بترتیب در سالهای 1965 و 1968 میلادی توسط افراد کوکلوکس کلان بقتل رسیدند.

دولتهای آمریکا که همگی بدون استثنا سیاستهایشان مبتنی بر گرایشهای نژاد پرستانه بوده و همواره سیاه پوستان را بدیده تحقیر و نفرت می نگریسته اند، نه تنها از تاریخ تشکیل این فرقه جنایتکار در قرن نوزدهم تا کنون حاضر نشده اند توقیف نمایند و نه تنها هیچیک از اعضای این سازمان تا به امروز مجازات نشده اند بلکه گاه چهره های سرشناس این تشکیلات بعنوان «مقامات دولتی» در هیئت حاکمه آمریکاپسپتهای مختلفی را نیز اشغال کرده اند. در 1924 در کنگره حزب دمکرات از حدود 1000 نماینده، 343 نفر از اعضای کوکلوکس کلان بوده اند! اکنون نیز سازمان مزبور که از اتحادیه های بزرگ مالی آمریکا حمایت می شود، بصورت یک تشکیلات رسمی مذهبی دارای ساختمان مرکزی در ایالت تنسی در جنوب آمریکا و شعب متعددی در سایر ایالات این کشور است.

اعضای فرقه کوکلوکس کلان روزهای یکشنبه با همان شکل خاص و لباس هیولایی خود بسوی کلیساها برای ادای مراسم مذهبی برآمده می افتند و هنوز هم سیاست ارباب و تهدید آنان علیه سیاهان

متوقف نشده است. بموجب آماری که در سال 1975 از سوی کمیته دفاع از غیرسفید پوستان آمریکا انتشار یافت از هر 17 سیاه پوست مرد و 32 سیاه پوست زن بطور متوسط یک نفر در سال ترور می شوند.

عملیاتهای نظامی و مداخلانه جویانه و استعمارگرانه در جهان اولین پایگاه نظامی آمریکا در 1889 در مجمع الجزایر هاوایی در اقیانوس آرام ایجاد گردید. همچنین نخستین جلوه مداخله علنی آمریکا به کشورها، هجوم نظامی به نیکاراگوئه در سال 1896 بود.

در سال 1898 کوبا به تصرف آمریکا در آمد. سپس پورتوریکو، گوام و چند جزیره دیگر و کشور فیلیپین نیز به آمریکا ملحق گردید! در سال 1903 پاناما با کمک آمریکا از دولت کلمبیا جدا شد و صاحب یک رژیم وابسته به آمریکا گردید. رئیس جمهور ویلسون در 1915 به هائیتی، در 1916 به دومینیک، در 1917 به کوبا و در 1920 به گواتمالا **لشکر کشی نظامی** کرد!

فاجعه بمباران اتمی دوشهر مسکونی هیروشیما و ناگازاکی بفاصله سه روز از یکدیگر در سال 1945 بدستور ترومن رئیس جمهور آمریکا از دیگر جنایات این قدرت شیطانی

می‌باشد. در این حمله غیر از صدها هزار نفری که در ابتدای حمله کشته شدند، در سه ماه اول پس از فاجعه، 200 هزار نفر و در پنج سال اول 340 هزار نفر کشته بر جای نهاد. علاوه بر این در سالهای اولیه پس از این جنایت، هزاران نوزاد ناقص الخلقه بدنیا آمدند.

اسرائیل در سال 1947 با حمایت آمریکا ظهور نمود و ترومن رئیس‌جمهور آمریکا نخستین رهبر جهان بود که رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت.

در سال 1957 کنگره آمریکا تصویب نمود که رئیس‌جمهور اجازه دارد به هر دولتی که به کمک نظامی و یا حتی مداخله نظامی آمریکا احتیاج داشت فوراً یاری رساند!

در اوت 1953 (28 مرداد 1332) آمریکا به کمک عوامل داخلی خود در ایران علیه دکتر محمد مصدق دست به کودتا زد.

همچنین آمریکا در **کودتا علیه دولت گواتمالا** در سال

1954 که به خونریزی فراوان همراه بود نقش اساسی داشت.

در مارس 1959 قرار داد نظامی بین آمریکا و ایران امضا

شد که بموجب آن آمریکا بخواهد این اجازه را دادند که در برابر

آنچه که «تجاوز مستقیم یا غیر مستقیم خارجی» نامیده شده بود، به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران در این کشور مداخله کنند.

همچنین **قراردادننگین کاپیتولاسیون** در چهارم آبان

1343 شمسی بین ایران و آمریکا منعقد شد که امام امت شدیداً با آن

مخالفت کردند و منجر به دستگیری امام و یارانش شد. «رض»

در سال 1973 با افزایش درآمد ایران از نفت، ایران به

بزرگترین خریدار اسلحه آمریکا تبدیل شد.

انقصاد **پیمان سنتو** در سال 1338 که با امضای

کشورهای ترکیه، پاکستان و ایران رسید و در حقیقت از منافع

امریکا، در منطقه دفاع می نمود.

ساقط شدن حکومت پاتریس لومومبا در زئیر در سال

1961 نیز از جمله حوادثی بود که سازمان سیا در آن نقش داشت.

حمله ضد انقلابیون کوبا با کمک آمریکا در سال 1961 به

کشور کوبا شکست خورد و این حادثه بعداً به ماجرای «**خلیج**

خوکها» معروف شد.

در چهارم اوت 1964 **تهاجم نظامی آمریکا علیه**

ویتنام شمالی آغاز شد که در چهار سال حکومت جانسون، بیش از

400 هزار نفر از مردم ویتنام شمالی و ویت کنگها و نیز دهها هزار سرباز آمریکایی در نبردها و درگیریها کشته شدند. همچنین تعداد 6 هزار هواپیما و هلیکوپتر آمریکابه ارزش تقریبی 6میلیارد دلار از بین رفت.

در سال 1965 **ژنرال سوهارتو** با کمک آمریکا در اندونزی دست به کودتا زد و حکومت قانونی دکتر سوهارنو پایه گذار استقلال اندونزی را ساقط نمود.

در 11 سپتامبر 1973 **ژنرال پینوشه** با کمکهای آمریکا حکومت دکتر سالوادور آلنده را ساقط نمود.

حمله نظامی به خاک ایران در بهار سال 1980 در زمان جیمی کارتر و پیاده شدن قوای نظامی آمریکا در منطقه طبس که با امدادهای غیبی الهی با شکست خفت باری روبرو شدند و با از دست دادن 9 سرباز و تجهیزات از جمله چند هواپیما و هلیکوپتر خود متواری شدند.

در سال 1983 آمریکا به حمایت از اسرائیل در لبنان دخالت نظامی نمود که با عملیات انتحاری مبارزین مسلمان و دادن تلفات زیاد از این کشور خارج شدند.

در سال 1983 آمریکا در زمان ریگان جزیره گرانادا را
مورد حمله نظامی قرار داد و آنجا را اشغال نمود!

در زمان ریگان مجموع پایگاههای نظامی آمریکا در 114
کشور جهان به تعداد **2500 پایگاه** رسید!

در 14 آوریل 1986 آمریکا به لیبی بوسیله بمب افکنهایش
حمله نظامی نمود. و دوشهر بنغازی و طرابلس را بمباران نمودند.

در صحنه جنگ عراق علیه ایران، آمریکا ابتدا به قطع رابطه
پانزده ساله خود با عراق را خاتمه داد و سپس رژیم آن کشور را مورد
حمایت آشکار نظامی، مالی و تبلیغاتی قرار داد و این سیاست در
سالهای بعد رفته رفته شکل خشن تری بخود گرفت بگونه ای که
نیروهای آمریکایی، کشتیهای باری و پایانه های نفتی ایران در خلیج
فارس را مورد حمله قرار دادند.

حمله به هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو جنگی
«وینس» در تاریخ 12 تیرماه 1367 شمسی واقع شد که طی آن
300 سرنشین آن بشهادت رسیدند.

تقویت شبکه های تروریستی در ایران برای بشهادت
رساندن مسئولین جمهوری اسلامی و براه انداختن کودتاهای ننگین و

شکست خورده از جمله اقدامات امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن 57 بشمار می رود.

تشکیل نیروی واکنش سریع و همچنین شورای

همکاری خلیج فارس بکمک رژیمهای مزدور امریکا در منطقه برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران و دیگر حرکت‌های ضد امریکایی از دیگر اقدامات شیطان‌ی امریکا بوده است.

در پاییز 1985 آمریکاییها بخود اجازه دادند که هواپیمای مسافربری مصر را بمنظور دستگیری ابوالعباس - رباینده کشتی ایتالیایی «آکیله لائورو»- در آسمان این کشور ربوده و آن را به یک پایگاه هوایی ناتو در جزیره سیسیل انتقال دهند.

در روز جمعه بیستم دسامبر 1989 امریکا حمله بزرگ و خونین خود را به **پاناما** آغاز کرد و سرهنگ نوریگا رهبر پاناما را دستگیر و به زندانی در امریکا منتقل نمودند!

در جنگ عراق علیه کویت، آمریکاییها حدود نیم میلیون سرباز وارد خلیج فارس نمودند و در این منطقه حضور نظامی خود را نشان دادند.

بعد از یازده سپتامبر، به بهانه مبارزه با تروریست و کنترل مواد شیمیایی **حمله نظامی به افغانستان و عراق** نمود که در اولی بدلیل حمایت مجاهدین افغانی از آمریکا، این کشور موفق از بین بردن طالبان که در اصل دست نشانده آمریکا بودند ولی تاریخ مصرفشان سر آمده بود، شد و در عراق هم به مدت بیست روز نتوانستند شهری از عراق را تصرف نمایند ولی عاقبت با مصالحه پنهانی با صدام جنایتکار بدون هیچ درگیری مهمی شهرهای مهم عراق تسلیم نیروهای آمریکایی و انگلیسی شدند و امیرکایی که با شعار دروغین دموکراسی و نجات مردم و دادن آزادی به ملت عراق وارد عراق شد "در حال حاضر خشن تر" درنده تر "متجاوزتر و خونین تر از صدام با مردم عراق رفتار می کند و از تجاوز به زنان پاک شیعه در زندان ابو غریب گرفته تا حمله به مراقد منور ائمه علیهم السلام و تخریب آنها و کشتن جوانان و کودکان و خلاصه انواع ظلم ها را به مردم عراق اعمال می دارد.

از بدو پیدایش رژیم غاصب اسرائیل، آمریکا همواره از این رژیم بمانند یکی از ایالت های خود حمایت های مهم مالی و سیاسی

واقتصادی و نظامی نموده است و اگر حمایت‌های آمریکا از اسرائیل نبود تاکنون این رژیم غاصب سقوط کرده بود.

در عملیات‌ها و حملات آمریکا از ابتدای تجاوزاتش به کشورهای مختلف و همچنین کودتاها و توطئه‌های آمریکا و دست نشانده هایش در مناطق مختلف جهان تا کنون میلیون‌ها نفر کشته و میلیون‌ها نفر مجروح شده‌اند که اگر روزی قرار شود تا جنایات آمریکا از ابتدای پیدایش آن و مقدار تلفات انسانی و همچنین خرابی‌های اقتصادی که به بار آورده است بررسی شود آن وقت جهانیان می‌فهمند که این شیطان بزرگ خون‌چه انسانهایی را مکیده است و چه بسیار خانواده ایی را که نابود نموده است و در حال حاضر هم جنایات او بوسیله رژیم غاصب اسرائیل و دیگر ایادی او در جهان ادامه دارد. «و سيعلم الذين ظلموا ایّ منقلبٍ ينقلبون»

اولین رشد اقتصادی

در جنگ جهانی اول بخاطر دور بودن آمریکا از صحنه جنگ، باعث شد که آمریکا زیان اقتصادی نبیند و تخریب گسترده و تنظیم منابع مادی اقتصادی کشورهای اروپایی سبب شد تا برای رفع نیازهای خود متوجه ایالات متحده آمریکا شوند. در نتیجه در آمریکا

تولیدات صنعتی و جنگی بشدت افزایش یافت و باعث شد که آمریکا از کشوری که دارای 2/7 میلیارد دلار قرض خارجی بود به کشوری تبدیل شد که به کشورهای عمده اروپایی اعتبار داده بود. در همین سالها متفقین 10/3 میلیارد دلار به آمریکا مقروض بودند که در پایان دهه به 21 میلیارد دلار رسید. علاوه بر این تا سال 1919 آمریکا تقریباً نیمی از کالاهای ساخته شده جهان را می ساخت و یک ششم صادرات جهان در دست آن کشور بود و یک هشتم واردات جهان را به انحصار خود در آورده بود. تا سال 1929 درآمد ملی آمریکا برابر مجموعه درآمد ملی 23 کشور جهان از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا و ژاپن بود.

جنگ جهانی اول سبب شد تا مراکز ثقل اقتصاد عمومی و سیاست جهانی از اروپا به آمریکا متصل شود. آمریکا که ذخیره طلایش در 1914، هزار و هشتصد میلیون دلار بود در 1925 به رقم شگفت آور 4500 میلیارد دلار ترقی کرد که معادل نیمی از کل ذخیره طلای جهان بود.

در سالهای آخر دهه 1920 از بیست دولت آمریکای جنوبی، چهارده دولت به درجات مختلف در زیر کنترل اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا قرار داشتند.

جنگ جهانی دوم به کشورهای عمده درگیر صدمات قابل ملاحظه‌ای وارد ساخت. اما آمریکا بخاطر آنکه در سالهای اول جنگ در صحنه‌های آن دخالت مستقیم نظامی نکرد و نیز بخاطر فاصله زیادی که تا صحنه اصلی جنگ یعنی اروپا داشت، از صدمات جنگ مصون ماند. لذا در پایان جنگ بیش از نیمی از تمام محصولات صنعتی جهان در داخل آمریکا ساخته می‌شد و نیمی از کشتی‌های جهان متعلق به آمریکا بود. 90 درصد سرمایه جهانی مربوط به کشتی سازی و هواپیما سازی و کائوچو و منیزیم، 70 درصد صنایع مربوط به آلومینیم و 50 درصد سرمایه مربوط به تهیه ماشین آلات را در دست خود متمرکز کرده بود. همچنین 50 درصد از کل کالای وارداتی از جهان سوم و 45 درصد از کل تولیدات اسلحه در جهان توسط آمریکاییها تولید یا تأمین می‌شد.

چرا سازمان ملل در آمریکا مستقر شد؟

عللی که موجب شد آمریکا بعنوان مقرر دائمی سازمان ملل انتخاب گردد بقرار زیرند:

1- بخاطر برخورداری آمریکا از شکوفایی اقتصادی بهتر نسبت به قدرتهای دیگر و اینکه آمریکا تعهد کرد تمامی نیازهای مالی و اقتصادی سازمان ملل را برآورده سازد.

2- بخاطر دور بودن از صحنه جنگ بین المللی از ثبات و آرامش بیشتری برخوردار بود.

3- آمریکا زمین مورد نیاز این سازمان را مجاناً در اختیار سازمان قرارداد.

4- دولت آمریکا 65 میلیون دلار وام 31 ساله به سازمان ملل برای احداث ساختمان آن داد.

5- طرح اولیه سازمان ملل ابتدا از طرف روزولت رئیس جمهور آمریکا داده شد.

6- واز همه مهمتر تلاش آمریکا برای سلطه بر این سازمان از علل استقرار این سازمان در آمریکا است.
امام خمینی (رض):

احساسات ایرانیان علیه ملت امریکا نبوده، بلکه دولت آمریکا است. ما سال ها از بی عدالتی فریاد می زدیم و از اختناق شکایت داشتیم. اما امریکا شاه را بر تخت نشانید یعنی در 1941 متفقین او را به جای رضاخان که نوکر انگلیس بود نشانیدند و دولت امریکا در برابر مخالفت مردم ایران پیوسته از او حمایت کرد. شاه همه منابع ما را غارت کرد، شرف ملی ما، سرمایه های ما، استعداد های جوانان ما را بر باد داد، بدین ترتیب ایرانیان نمی توانند نظر خوبی به دولت امریکا داشته باشند.

افول امپراطوری

مدتها است که تحلیل گران سیاسی در کشورهای مختلف با دقت به تحولات آمریکا نگاه کرده وعده ای آنها معتقدند که نشانه هایی از زوال ابر قدرتی این کشور دیده شده است که شامل شکست های اقتصادی، سیاسی واجتماعی وفرهنگی در چند سال اخیر است ونشان می دهد که در آینده شاهد تحولات مهمی در سطح دنیا خواهیم بود وشاید همانطور که امام امت (رض) پیش بینی کرده اند وعده ای از تحلیل گران بر آن صحه گذاشته اند این قرن، قرن پیروزی اسلام و قرن شکست شیطان بزرگ خواهد بود. لذا به آمار وارقام

مربوط به افول وزوال این قدرت شیطانی در مسائل مختلف بین المللی اشاره می شود.

نابسامانی وضعیت اقتصادی

«اقتصاد دانان معتقدند افول اقتصادی آمریکا از سال 1970 آغاز شده، یعنی حدود 20-15 سال پس از جنگ جهانی دوم، از زمانی که آلمان و ژاپن کشورهای خودشان را می سازند و بازار را در دستشان می گیرند آرام آرام توازن تجاری آمریکا به هم خورده و از 1970 به بعد رو به افول می گذارد.» و رای رویدادها ش 20

«در آمریکا از 25 سال پیش، درآمد نیمه فقیرتر جامعه دائماً کاهش می یابد. این فرآیندی آهسته اما بی وقفه است! ظرف 25 سال اخیر دریافتی 60٪ آمریکاییان که از خدمات محدودتر تأمین اجتماعی بهره می برند به رغم موانع گوناگون 20٪ کاهش یافته است.»

«در آمریکا یک درصد از جمعیت کشور 60٪ از ثروت کشور را در دست دارند و تنها 20٪ از مردم آمریکا از صعود بدون توقف سهام بورس «وال استریت» سود می برند. 80٪ مردم آمریکا وضعیت اقتصادی خوبی ندارند.»

«تراز بازرگانی آمریکادر سال 2000 در حدود 450میلیارد دلار منفی می شود که در طول تاریخ بشر چنین بدهی ای وجود نداشته است.

اگر بخواهیم صادرات و واردات با تراز بازرگانی این کشور را با کشور خودمان مقایسه کنیم در نهایت ما حدود 2میلیارد منفی داشتیم یا 2میلیارد مثبت، ولی می بینیم در آمریکا این اختلاف بیش از 2000میلیارد دلار منفی بوده و اینها همه بیان گر این است که آمریکا قدرت رقابتش را از دست داده است.

با مروری بر سیر تکنولوژی آمریکا می بینیم که این کشور در تمام زمینه های تکنولوژی، برتر بوده است ولی امروز شاهدیم که اینها در چندین زمینه صحنه را خالی کرده اند و کشورهای صاحب تکنولوژی دیگر، جای خالی را پر کرده اند.

از نظر انرژی تا جنگ جهانی دوم، آمریکا صادرکننده نفت بود ولی پس از آن کم کم این صادرات به صفر می رسد و در نهایت می بینیم که در شرایط فعلی روزانه حدود 19-18میلیون بشکه مصرف دارد که فقط 8-7میلیون آن را خودش تولید می کند و مابقی یعنی حدود دوسومش را وارد می کند. به پیش بینی

کارشناسان، استخراج نفت در آمریکا در 14-10 سال آینده توجیه اقتصادی نخواهد داشت. از این بابت نیز می‌توان وابستگی روز افزونی را نسبت به انرژی در این کشور متصور بود. اگر بخواهیم در باره بدهی‌های آمریکا صحبت کنیم می‌بینیم که مجموع بدهی‌های دولت مرکزی و ایالتی در سال 2000 بالغ بر 30 هزار میلیارد دلار بوده است. از این مقدار حدود 8-7 هزار میلیارد دلار بدهی مردم به سیستم بانکی بوده و مابقی بدهی دولت مرکزی و ایالتی است که اگر روزی ضربه‌ای به این عنصر حیاتی بخورد اقتصاد آمریکا را به شدت تخریب خواهد کرد.

مورد دیگری که تسلط اقتصاد آمریکا را به چالش می‌کشد و از ورود سرمایه به این کشور جلوگیری می‌کند تولد پولی به نام یورو در مقابل دلار است. به عنوان مثال از دو سال قبل به این طرف جریان سرمایه به آمریکا از 350 میلیارد دلار به 250 میلیارد دلار تنزیل یافته و پیش‌بینی می‌شود این رقم در طول سال 2002 به حدود 60 تا 50 میلیارد دلار برسد.

یکی از کارشناسان آمریکا که عضو تحلیل گریسیا نیز بوده پس از بیرون آمدن از این سازمان اعتراف می‌کند آمریکا در اقتصاد

حرفی برای زدن در دنیا ندارد. قبل از واقعه 11 سپتامبر، آمریکا را بهشت سرمایه و بهشت مغزها می دانستند و با کنار هم قرار دادن مؤلفه های «سرمایه» و «مغزها» قدرتی فراتر از دیگر کشورها بر آن متصور بودند. آنان معتقد بودند که با وجود آسایش و امنیت و نیز فراهم کردن زمینه های لازم برای مغزها، هم سرمایه و هم استعداد های علمی به کشورشان سرازیر خواهد شد ولی شاهدیم که در حال حاضر یکی از مؤلفه ها یعنی «امنیت» مختل شده که خود دلیلی بر افول اقتصادی این کشور می تواند باشد.

گذشتن نرخ بیکاری از مرز 6 درصد و تنزل شاخص های بورس از 11 به 8 و سقوط شرکت هایی مثل ارون- که خیلی ها را بدبخت و مال باخته کرد- نمون 9ه های دیگر از افول اقتصادی کشور آمریکاست.»

«آمریکا 21 هزار میلیارد دلار بدهی دارد که 17 هزار میلیارد دلار از آن بدهی خارجی و 4 هزار میلیارد دلار آن داخلی است»

افول سیاسی

از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که به تعبیر امام راحل (قدس سره) آمریکا از اسلام سیلی خورد. آمریکا دیگر

توانست سربلندی و قدرت سیاسی سابق خود را حفظ کند و روز به روز ابهت خود را ازدست داده تا در زمان ما چنان ضعیف شده است که در بیشتر کشورها و حتی پایتخت خود آمریکا، پرچم آمریکا را به آتش می کشند و علیه او راهپیمائی می کنند.

در سازمان ملل و شورای امنیت دیگر کشورها زیر بار آمریکانمی روند و نمونه آن اخیرا اتفاق افتاد که آمریکان توانست نظر اعضای شورای امنیت را در مورد تصویب قطعنامه ای که به آمریکا اجازه جنگ با عراق را بدهد، جلب کند. حتی متحدین او مانند آلمان و فرانسه و کانادا در مقابل او ایستادند و با او مخالفت نمودند. لذا دیگر سازمان ملل بدرد آمریکا نمی خورد و این سازمان جایگاه خود را در حمایت از آمریکا از دست داده است. همچنین کشورهایی مانند عربستان و ترکیه واردن و مصر که دولتها و حکومتهایشان وابسته به آمریکا بود و مؤید آمریکا در صحنه های مختلف بین المللی بودند اکنون به منتقد و مخالفین آمریکا در برنامه های سیاسی آمریکا تبدیل شده اند.

و همه این مسائل نشأت گرفته از انقلاب اسلامی و پیشرفت اسلام در جهان و آشنا شدن مردم دنیا با چهره واقعی اسلام می‌باشد. در این مورد به چند تحلیل توجه فرمائید.

«آمریکا کشوری است که قبل از سال 1970 اگر یک کارمند سفارتی اش زنگ می‌زد به شاه ایران و یا پادشاه عربستان و یا کشورهای دیگر، بی درنگ دستورش اجرا می‌شد ولی پس از آن می‌بینیم که دیگر ابهت قبلی را ندارد. مثلاً پس از روی کار آمدن تیم بوش پسر، اینها قول دادند که مسأله انتفاضه را حل کنند. عملاً هم رئیس سازمان سیا و پس از آن معاون امور خارجه و آنتونی زهی را به منطقه فرستادند ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند. دیک چنی که مرد شماره 2 قدرت در آمریکا پس از رئیس جمهور است با هر تکنیکی که وارد بود نتوانست سیاست هایش را در منطقه عملی کند.

عقب نشینی دیگر در موضع آمریکا را در حمایت از تایوان می‌بینیم. چهار ماه قبل در آمریکا این کشور پذیرفت که چین واحد را ببیند. مورد دیگر، هشدار بوش به ژاپن درباره همکاری نکردن با کره شمالی بود که همان موقع ژاپن اعلام کرد، همکاری خود را با کره شمالی ادامه می‌دهیم. این که ژاپن پس از اعلام محور

شرارت به کره شمالی توسط بوش، می گوید ما با این همکاری می کنیم نشان می دهد که دیگر آمریکا، آن آمریکایی نیست که وقتی یک کارمند سفارتش دستوری صادر می کرد فوراً اجرا می گردید و هیچ کشوری حق اعتراض نداشت.

مصادق بارز بی اعتبار شدن آمریکا در دنیا را می توان در رأی آوردن رئیس جمهور آلمان (صدر اعظم) جستجو کرد که فقط شعارهای ضد آمریکایی داد.

شواهد فوق نشان می دهد که توان سیاسی آمریکا به شدت افت کرده است. در شورای امنیت با باج دادن مصوبه می گیرد که آن هم به طور کامل زیر بار قطعنامه نرفتند. در سازمان ملل تقریباً این کشور را از کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون مواد مخدر بیرون کردند. دیگر مثل سابق نیست که بتواند با حرف خودش در کمیسیونها نفوذ داشته باشد.

در منطقه خاورمیانه نیز در حال حاضر اگر روسها با آمریکا اندکی همکاری می کنند به خاطر پولی است که از آن می گیرند. روسها با این همکاری هوشمندانه هم با مشکلات داخلی خود مقابله می کنند و هم حسابی کاسبی می کنند و مشکل اقتصادی

خودشان را سرو و سامان می دهند. آمریکاییها به روسهایک پیشنهاد 10میلیارددلاری برای دفع زباله های هسته ای اش داد و از آنها خواست که در مقابل از قرارداد 1میلیارد دلاری نیروگاه هسته ای ایران چشم پوشی کند اما روسها به هیچ وجه زیربار نرفتند. یا در مورد دیگر برای هماهنگ کردن ترکیه، کویت و اردن برای جنگ با عراق به این کشورها پول می دهد تا از یاد گانهایشان استفاده کند.»

نابسامانیهای اجتماعی و اخلاقی

«زندگی غربی یک زندگی لجن آلود و فاسدی است که هیچ یک از بنیادهای اصیل بشری خانواده و شخصیت انسان، سالم نمی ماند و این چیزی است که مردم امریکا و اروپا از آن رنج می برند.» (مقام معظم رهبری {

«در امریکا، کودکان زودتر از معمول، بالغ می شوند و از

سنین خردسالی، احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می شود.

هیچ جای تعجب نیست که در بین طبقات مختلف حتی طبقات پولدار و باسواد، دخترانی پیدا می شوند که در سالهای هفت و هشت سالگی با کودکان هم سن و سال خود رابطه جنسی برقرار کرده و احتمالاً به فحشاء مبتلا می گردند.

به عنوان مثال دختر هفت ساله‌ای از یک خانواده آبرومند! با برادر و گروهی از دوستان برادرش، مرتکب فحشاء شده بودند. پنج نفر دیگر شامل دو دختر و سه پسر، گروه فحشاء را تشکیل داده و کودکان دیگر را به این کار وادار می‌کردند در حالی که بزرگترین آنها ده ساله بود. دختر دیگری که نه سال داشت، خود را بسیار خوشبخت می‌دانست زیرا در این سن و سال، معشوقه چندین نفر شده بود!

یکی از مجلات آمریکائی نوشته است:

سه عامل شیطانی وجود دارد که دنیای امروز ما را فرا گرفته و در افروختن آتش برای ساکنین زمین مؤثرند.

عامل اول ادبیات بی آبرو و دور از عفت است که بعد از جنگ جهانی با تمام وقاحت و بی‌عفتی و بی‌آبرویی بشکل عجیب و غریبی ترویج شد و دنیا را فرا گرفت!

عامل دوم فیلمهای سینمایی است که نه تنها غریزه شهوانی حیوانی را تحریک می‌کند بلکه در این خصوص، دروس علمی و عملی را برایشان تلقین می‌نماید.

عامل سوم پایین آمدن سطح اخلاق زنان است که در لباس، برهنگی، اعتیاد و اختلاط بدون قید و شرطشان با مردان بصورت آشکاری بچشم می خورد. این مفاسد سه گانه بمرور زمان رو به ازدیاد است و آخرین نتیجه آن زوال تمدن و از بین رفتن مسیحیت است که اگر ما امروز از طغیان آنها جلوگیری نکنیم، بطور حتم تاریخ رومیها و کسانی که به پیروی از شهوت و غریزه جنسی رهسپار عدم گردیدند برای ما هم تکرار می شود زیرا آنها هم مانند ما در شراب، زن، رقص و موسیقی و لهو و لعب غرق شده بودند.

در این جامعه دیگر زن با عفت دارای احترام نیست! اصلاً عفت و تهذیب و حجاب و از روابط نامشروع دوری نمودن و قانع بودن به همسر خود، نشانه بی تمدنی! و بی فرهنگی و عدم پیشرفت به حساب می آید!

در آمریکا، ادبیاتی دارای مرتبه و منزلت است که بتواند با جاذبه های جنسی بکار گرفته شده در فیلمهای سینمایی، تئاترها و موسیقی ها و داستانهای فاسد، زن را عریان تر و برهنه تر معرفی بکند و بدین وسیله مشتریهای بیشتری جذب کرده و مثلاً نوشته شود که

فلان فیلم اینقدر فروش داشت و یا فلان کتاب با این تیراژ فروش رفت.

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملتها شده است.

فساد نظام خانوادگی، افزایش آمار طلاق، تعداد کم ازدواج کثرت فرزندان نامشروع، کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)، کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی اعتمادی به هم و مردن فضیلت‌های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم، از بین رفتن عاطفه و محبت، شورش و طغیان مردم، احساس پوچی در بین اکثر جوانان و... همه از معضلات جوامع غربی می باشند.»

مؤلف کتب تاریخ فحشاء، آقای «جورج راثیلی اسکات»

می نویسد:

مرتکب شدن به فسق و فجور و ولگردی در خیابانها و عدم عفت برای دوشیزه امروزی از جمله وسایل زندگی تجملی بشمار می رود.

استعمال مواد مخدر، و شرابه‌ای ترش مزه، رنگ کردن ناخن و لبها به رنگ سرخ، مهارت داشتن در مورد مسائل جنسی و تدابیر ضد بارداری و سخن از فحشاء نیز از جمله ضروریات امروزی شدن و پیشرفت زندگی تجملی محسوب می‌شود. تا الان هم تعداد زنانی که پیش از ازدواج، روابط جنسی دارند رو به ازدیاد و افزایش است و آن را هیچ عیب و گناهی نمی‌دانند و وجود دختران باکره در هنگام عقد ازدواج در کلیسا بسیار نادر و کمیاب است.

بزرگترین عامل این بی بندوباری در مسائل

جنسی، اشتغال زنان به کارهای تجاری و اداری و کارهای مختلف دیگر است که بهترین وسیله و فرصت برای اختلاط مردان و زنان است. و باعث شده که قوه دفاعی زن در مقابل تجاوز مرد، کم و نابود شده و روابط شهوانی بین زن و مرد از هر قید اخلاقی آزاد گردد. در این حال لذت زندگی در نزد دوشیزگان این است که مرد جام لذت و تمتع را به وی تقدیم کند و لذا بدنبال این لذت‌ها به رقاص خانه‌ها، کلوپهای شبانه، هتلها و قهوه‌خانه‌ها سر می‌زند تا بتواند مرد بیگانه‌ای را که صاحب ماشین و ثروت است، شکار کند! به این ترتیب او خود را با رضا و رغبت فراوان در محیط و اوضاعی می‌اندازد که تمایلات

جنسی را مشتعل تر می کند و نه تنها از عواقب آن ترسی ندارد بلکه آن را با شادی و آغوش باز استقبال می کند».

ایدز!

«نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان امریکا:

ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با کشوری که در آن دوازده ساله ها باردار می شوند، پانزده ساله ها همدیگر را می گشند، هفده ساله ها به ایدز مبتلا می شوند و هجده ساله ها دیپلم می گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند، هیچ کس را نمی شود رهبری کرد!»

«هرساله 350 هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین بین پانزده تا نوزده سال دوره دبیرستان به سبب ارتباط های نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می آورند و این آمار در دهه های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

جان نکد، نویسنده و تحلیل گر غربی:

«انتشار ایدز در ایالات متحده و اروپا و سایر نقاط جهان خطر جدی در روابط این جوامع بوجود آورده است. هزاران نفر و از

جمله شخصیت‌های معروفی نظیر «روک هادسون» هنرپیشه آمریکایی به این بیماری دچار شده‌اند. اکنون شانزده میلیون نفر در سنین مختلف در کشورهای اروپایی و آمریکا حامل ویروس ایدز هستند... هراس از مواجهه با این هیولای خزنده به استودیوهای هالیوود نیز کشانده شده است. آن‌جا که پس از ابتلای برخی هنرمندان نامی، تمامی هنرپیشه‌های زن و مرد ملزم به ارائه گواهی نامه عدم ابتلا به ویروس ایدز هستند!»

«در فاصله سال 1985 تاکنون ایدز قربانیان زیادی از هالیوود گرفته است.

جون کالینز، بازیگر سینما گفته است که: ایدز مکافات گناهان هالیوود است.

مرگ هادسن در اکتبر 1985 همچون زلزله موجی از وحشت و حیرت در قشرهای لوکس هالیوود برانگیخت. اد آلستر رئیس اتحادیه بازیگران سینما، که شصت هزار بازیگر را زیر پوشش خود دارد، پیشنهاد کرد که در گام اول صحنه‌های بوسه از کلیه فیلم نامه‌ها حذف شود!...

در سال 1991 فقط آمار رسمی حاکی از 67 مرگ در هالیوود بر اثر ابتلای به ایدز بوده است.»

سقط جنین

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی است و 70٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروه های مستهجن و هرزه را تجربه می کنند!»

«بر اساس آمار ارائه شده در ایالات متحده امریکا یک میلیون نوجوان در دوران بلوغ از منزل فرار می کنند که 2/3 فرار افراد مؤنث ناشی از آزارهای جنسی در محیط خانواده می باشد.»

«در شهر نیویورک فردی که یک کلینیک روان شناسی خصوصی تأسیس کرده بود و در آن یکصد کودک را تحت نظارت و مراقبت داشت پس از آنکه متهم شد که تمامی یکصد کودک را مورد تجاوز قرار داده است به اسرائیل گریخت که متأسفانه یک سوم این کودکان آلوده به ایدز شدند...!»

خودکشی!

«بر اساس گزارش‌های منتشره در ایالات متحده آمریکا در هر شش ساعت یک نفر زیر نوزده سال به وسیله سلاح گرم دست به خودکشی می‌زند. در سال 1447، 1990 نفر بین سنین ده الی نوزده سال به وسیله سلاح گرم خودکشی کرده‌اند.»

«بر اساس آمار موجود، خودکشی دومین علت مرگ و میر در بین جوانان 15-24 ساله در ایالات متحده می‌باشد.»

دکتر ردفیلد جیمیسون استاد روان پزشکی دانشگاه «جانز هاپکینز» در همین باره گفت: سالانه حدود سی هزار آمریکایی خودکشی و 750 هزار نفر دیگر هم اقدام به خودکشی می‌کنند ولی نمی‌میرند. از هر پنج نوجوان آمریکایی طی یک سال گذشته یک نفر خودکشی کرده یا جدأ قصد آن را داشته است.»

«آمار تکان دهنده موجود حاکی از آن است که در این کشور بین سال‌های 1970 تا 1980 میزان خودکشی در میان گروه سنی

15-20 ساله 50٪ افزایش یافته است.»

افسردگی:مجله اکونومیست در شماره اول ژانویه 1999 خود، با چاپ گزارشی در باره پدیده افسردگی و علل و آثار آن در ایالات متحده آمریکا نوشت:

به عقیده روان شناسان ،افسردگی بیماری ناشی از مدرنیسم و فشارهای جانبی آن است و جوانان به ویژه در آمریکا که سرعت نوآوری در آن جابیش از سایر نقاط جهان است در سنین پایین تر در دام این بیماری گرفتار می آیند.

در سال 202 افسردگی پس از بیماری های قلبی ،گسترده ترین بیماری دامن گیر بشر خواهد بود.به نوشته این مجله: دکتر ارنست برنت و همکارانش از انستیتو تکنولوژی ماساچوست آمریکا برآورد کرده اند که هزینه های مربوط به بیماری افسردگی در آمریکا سالانه بالغ بر 44میلیارد دلار یعنی تقریبا برابر هزینه های بیماری های عروقی است و این بدان معنا است که هر آمریکایی سالانه 6هزار دلار بابت بیماری افسردگی پرداخت می کند.

این مجله می افزاید:

هزینه‌های مربوط به درمان بیماری افسردگی به 12 میلیارد و 400 میلیون دلار بالغ می‌شود و خودکشی مبتلایان به افسردگی 7 میلیارد و 500 میلیون دلار به این رقم می‌افزاید که خسارت ناشی از دست رفتن نیروی انسانی در آن به حساب نیامده است.

اکنون می‌نویسد:

در این میان، بازار داروهای ضد افسردگی بسیار گرم است. طبق برآورد انستیتو تکنولوژی ماساچوست ارزش بازار جهانی این داروها بالغ بر 7 میلیارد دلار است که انتظار می‌رود در پنج سال آینده 50٪ رشد داشته باشد!

مشهورترین داروی درمان بیماری افسردگی که امروزه به ویژه در آمریکا رواج دارد «پروژاک» است که شرکت سازنده آن «الی لیلی» سالانه 2 میلیارد و 600 میلیون دلار به جیب سهامداران خود سرازیر می‌کند.

در مجله دانستنی‌ها، 62/7/5 آمده است که:

آمریکایی‌ها هر شب بالغ بر سی میلیون قرص خواب آور مصرف می‌کنند، که اگر طی یک سال این تعداد قرص را روی هم انباشته کنیم حدود 600000 کیلوگرم وزن خواهد داشت. و این 600 تن قرص برای به خواب بردن تمام مردم جهان به مدت هشت شبانه روز کافی می‌باشد!

«الوین تافلر، نویسنده و نظریه‌پرداز معروف امریکایی: در سراسر کشورهای مرفه فریاد عجز و لابه‌های آشنا به گوش می‌رسد. میزان خودکشی نوجوانان رو به افزایش است. الکلیسم پیدادمی‌کند. افسردگی روانی همه گیر شده است، بربریت و جنایت مُد روز گردیده است! در ایالات متحده اتاق‌های اورژانس بیمارستان‌ها مملوّ از معتادان به ماری‌جُوانا و دیوانه‌های سرعت و دسته‌های اراذل و اوباش و معتادان به کوکائین و هرویین و بالاخره افرادی که گرفتار بحران شدید عصبی شده‌اند.

مددکاری اجتماعی و بهداشت روانی در همه جا به سرعت رو به گسترش گذاشته است، در واشنگتن یک کمیسیون بهداشت

روانی وابسته به دفتر ریاست جمهوری اعلام می‌دارد که به طور کامل شهروندان ایالات متحده از نوعی فشار عصبی رنج می‌برند. و روان‌شناسی از مؤسسه ملی بهداشت روانی ادعا می‌کند که تقریباً هیچ خانواده‌ای بدون نوعی ناهنجاری روانی وجود ندارد و اعلام می‌کند روان‌پریشی، جامعه آمریکا را که آشفته و پریشان و متفرق و نگران آینده است، فرا گرفته است!

تافلر می‌افزاید: زندگی روزمره واقعاً به طرز افراط آمیزی کیفیت خود را از دست داده است و اعصاب همه خورد و داغان است، دست به یقه شدن و تیراندازی در مترو یا صفهای بنزین نشانگر این واقعیت است که کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است، میلیون‌ها نفر از مردم به آخرین حد از ظرفیتشان رسیده‌اند.

خشونت

«در شیکاگو مسن ترها بعد از تاریک شدن هوا از قدم زدن در خیابان‌ها وحشت دارند. در مدارس و ایستگاه‌های قطار زیرزمینی نیویورک خشونت غوغا می‌کند.

در کالیفرنیا مجله‌ای برای خوانندگان خود به اصطلاح دفترچه راهنمای عملی در مورد استفاده از سلاح‌های دستی و

دوره‌های تیراندازی و سگ‌های محافظ تعلیم دیده، دزدگیر و ابزار ایمنی برای استفاده شخصی دوره‌های دفاع از خود و نظام‌های ایمنی کامپیوتری ارائه می‌کند.

«در سه دهه گذشته هشتاد میلیون نفر به جمعیت آمریکا اضافه شده است که 20٪ این عده را مهاجرین جدید از آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا تشکیل می‌دهند:

در این مدت، در بین جمعیت قریب به سیصد میلیونی آمریکا، جنایت چهاربرابر شده است، خشونت بین طبقات مختلف و افراد دوبرابر بالا رفته است و نسبت طلاق در خانواده‌ها از 30٪ به 70٪ افزایش یافته و تعداد کودکان نامشروع دوازده برابر شده است.

تجارت مواد مخدر در بین جوانان آمریکایی مرسوم شده است. و امنیت داخلی در آمریکا حتی در مدارس ابتدایی و متوسطه به وضع بحرانی رسیده است.

عده زندانیان در این سه دهه از یکصد هزار نفر به بیش از یک میلیون نفر تجاوز کرده است و در یک آمار جدید 70٪ از مردان آمریکایی اظهار کرده‌اند که به همسران خود وفادار نبوده‌اند.

امروزه بیش از هر موقع دیگر افکار عمومی آمریکا حاضر است از تخلفات اخلاقی و قانونی رهبران سیاسی خود گذشت کند، زیرا حرمت چنین اعمالی در جامعه آمریکا از بین رفته است. چند سال قبل شهردار واشنگتن به علت تخلفات قانونی و استعمال و خرید و فروش مواد مخدر به زندان محکوم شده بود، مجدداً در انتخابات به همین سمت انتخاب گردید!

سستی و از بین رفتن حرمت والدین

بنجامین اسپاک، پزشک آمریکایی:

«میزان قتل و تجاوز و بهره کشی جنسی و بهره کشی از فرزندان و همسران به طور تکان دهنده‌ای بالاست.» «بیشتر سالخوردگان - مگر این که ثروتمند باشند - آرزو دارند که فقط تحمل شوند.» «دیگر پدر در بسیاری از خانواده‌ها چهره با ابهتی ندارد... و در برنامه‌های تلویزیونی

اغلب اوقات پدر به عنوان دلچک تصویر می‌شود، مادران هر چه کمتر و کمتر در مقام تربیت کنندگان قابل اتکا و قابل احترام دیده می‌شوند.» «هر بچه‌ای به طور متوسط تا قبل از پایان دوره ابتدایی تصویر «رسانه‌ای» حدود هشت هزار قتل را تماشا کرده است.»

جوز لائز، از اساتید دانشگاه بوستون آمریکا:

«یک نوجوان شانزده ساله آمریکایی در دوران کودکی و نوجوانی اش تا سن (16 سالگی) شاهد هجده هزار مورد قتل و هشت هزار مورد تجاوز جنسی از تلویزیون می باشد.»

جوئیس برایس، نویسنده و روزنامه نگار:

«با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر و مادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز نموده است.»
واشنگتن تایمز:

«در آمریکا فرزندان طلاق و تک والدینی و بی سرپرست در محیط خانه خود هیچ گونه آموزش اخلاقی نمی بینند. استثنا هم وجود دارد و بعضی مادران کار خود را به نحو احسن انجام می دهند. اما بسیاری از آنها درگیر استفاده از مواد مخدر هستند و از نظر موقعیت مالی تنها نیم قدم با بی خانمانی فاصله دارند. بنابراین همه چیز به هم ریخته است، بچه ها خشونت و اثرات منفی را مدل خود قرار می دهند.»

«دکتر آنتوانت ساندروز درباره وضع کودکان امریکا می نویسد:

در امریکادر سال 1990 بیش از یک چهارم کودکان زیر هیجده سال یا فقط با یکی از والدین خود ویا بدون هیچ یک بسر می بردند.»

«براساس آمار معتبر:در امریکا سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانواده های خود فرار می کنند که نیمی از آن ها دختران نوجوانی هستند که به علت سن پایین نمی توانند شغلی داشته باشند لذا ب...به دزدی ومبادله مواد مخدر و فحشا روی می آورند.»

«کشیش یرس ریتز می گوید:در امریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال اختصاصاً به کار فحشا اشتغال دارند.»

«جوئیس برایس نویسنده و تحلیلگر روزنامه واشنگتن تایمز با ارائه گزارش ویژه ای در زمینه شکست خانواده در امریکا می نویسد:

با کاهش تعداد خانواده هایی که از پدر ومادر برخوردارند جامعه ایالات متحده روندی رو به زوال را آغاز کرده است.»

مواد مخدرو کودکان

رودی تاکاشینی،مدیر شورای نوجوانان بنیاد کارانگی:

«ناهنجاری نسل جوان این کشور تهدیدی نسبت به ثبات و سلامت اجتماعی جامعه آمریکا در قرن 21 است.» «در هیچ دوره‌ای از تاریخ اجتماعی ملت آمریکا، مقطع سنی ده تا چهارده ساله با این طیف وسیع از خطرات مواجه نبوده است. یک سوم کودکان سیزده ساله آمریکایی معترفند که حداقل یک بار از مواد مخدر استفاده کرده‌اند. میزان خودکشی در بین کودکان ده تا چهارده ساله آمریکایی در سال 1364 تا 1371 شمسی به دو برابر رسیده است و خشونت و بزهکاری در بین آن‌ها از سال 1359 تا 1371 دو برابر شده است. هر هر کودک ده تا چهارده ساله آمریکایی یکی از آنان در خانواده تک والدینی بزرگ می‌شوند. مصرف سیگار در بین کلاس هشتمی‌ها از سال 1370 تا 1373 تا 30٪ افزایش یافته و به 18/6 رسیده است.» ماهنامه صبح 74/7/25

کشیش یرس ریتز:

در آمریکا بالغ بر پانصد هزار نوجوان زیر هفده سال

اختصاصاً به کارفحشا اشتغال دارند.»

نوجوانان مجرم!

دانشگاه نورسترن: «تعداد جوانان هفده ساله آمریکایی که مرتکب قتل شده‌اند طی سالیان 1985 تا 1991 (121٪) افزایش یافته است. شمار قاتلان شانزده ساله آمریکایی هم در طی همین زمان به میزان 158٪ رشد یافته است و ارتکاب جنایت و تبهکاری در بین جوانان پانزده ساله آمریکایی از رشدی معادل 127٪ برخوردار بوده است.»

وزارت دادگستری آمریکا:

«تعداد نوجوانان زیر هجده سال که به دلیل ارتکاب جرائم زندانی هستند طی سال‌های 1985 تا 1997، دو برابر شده است.»

کشتار کودکان و شهروندان

کلینتون:

«به دلیل وجود تعداد زیادی سلاح گرم در دست مردم، برای بسیاری از آمریکایی‌ها زندگی در ایالات متحده بسیار خطرناک‌تر از زندگی در سوماتالی جنگ زده شده است.»

واشنگتن پست:

«کنترل واشنگتن پایتخت آمریکا خارج از قدرت پلیس است و این شهر با 489 فقره قتل در میان پایتخت‌های دنیا مقام اول را داشته است و خیابان‌های آن به کشتارگاه تبدیل شده‌اند.»

پرفسور مولانا:

«در نیویورک در سال 1960 تعداد قتل‌ها 390 مورد بود، که در سال 1986 به 1987 نفر و در سال 1990 به 2245 نفر افزایش یافت.»

باز هم خشونت و کشتار

مؤسسه امنیت و سلامتی در آمریکا:

«1071 آمریکایی در طول سال 1994 در محل‌های کار خود به قتل رسیده‌اند و بیش از 160 هزار نفر دیگر هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.»

صندوق حمایت از کودکان:

«شمار کودکانی که به ضرب گلوله در ده سال گذشته در آمریکا کشته شدند 94٪ افزایش یافته است، طبق آمار هر دو ساعت یک کودک در آمریکا هدف گلوله قرار می‌گیرد.»
بر طبق آمار دفتر تحقیقات فدرال آمریکا:

«در سال 1987 تعداد بچه هایی که هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده اند به 1270 نفر رسیده و پنج سال بعد یعنی در 1992 به بیش از 2804 رسید.»

تجاوز و هتک حرکت زنان

نیویورک تایمز:

«تفریح آمریکاییان شکل زشت و شرم آوری پیدا کرده است. فیلم ها و ترانه ها، آوازاها و نمایش ها به جای اینکه الهام بخش و پیام آور باشند، هراس آور و زننده شده اند.

تجاوز جنسی، استعمال دخانیات، مواد مخدر، شیطان پرستی، خشونت و هرزگی و بی بند وباری در شهرهای مختلف آمریکا اوج گرفته است.

شهرهایی چون واشنگتن، نیویورک، شیکاگو، بوستون، لس آنجلس، سانفرانسیسکو و چند شهر دیگر به عنوان مناطق خطرناک قلمداد شده اند، زیرا هیچ گونه تأمین جانی و ناموسی برای زنان وجود ندارد.»

نشریه آمریکایی ریدرز دایجست: «هرساله 350 هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین پانزده تا نوزده سال دوره دبیرستان به سبب

ارتباط‌های نامشروع فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند و این آمار در دهه‌های اخیر سال به سال در حال افزایش است.»

ویلسون، پزشک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دوزن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می‌باشد.»

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می‌دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده آمریکایی است و 70٪ این دختران، حملات جنسی افراد و گروه‌های مستهجن و هرزه را تجربه می‌کنند.»

نیویورک تایمز:

«کارآگاهان شخصی بوش هم قادر به مهار جنایات و تعرض به خانم‌های جوان و دختران نیستند! و تنها رفتن به بیرون از خانه از ساعت هشت شب برای زنان و دختران 100٪ مخاطره آمیز است.»

مارلین فرانچ، نویسنده:

«یک مرد آمریکایی در هر دوازده ثانیه زنش را کتک می‌زند و هر روز چهار تا از این ضرب و جرح‌ها موجب فوت زن می‌گردد! طبق بررسی‌های اف بی آی، تعداد تجاوزات به زنان افزایش داشته است. هر ساله حدود دویلمیون و نیم زن مورد حمله - تجاوز و - سرقت قرار گرفته که یک چهارم این جنایت‌ها توسط افراد فامیل یا دوستان صورت می‌گیرد.»

اشاعه مواد مخدر در بین نوجوانان و زنان

رئیس مبارزه با مواد مخدر آمریکا:

«تعداد کودکان زیر هجده سال که در رابطه با مواد مخدر دستگیر شده‌اند بین سالهای 91-95 بیش از 37٪ افزایش یافته است» وی افزود:

این نخستین موج ضعیف از یک طوفان ویرانگر است.»

«تنها در سال 1990، تعداد 978 نوجوان به جرم فروش مواد مخدر در پایتخت آمریکا دستگیر شده‌اند و 431 نوجوان دستگیر شده در واشنگتن اعتیاد به کوکائین داشته‌اند.»

منابع معتبر پزشکی آمریکارسما اعلام کرده‌اند که :

«2/3 نوجوانان ایالات متحده قبل از اتمام دبیرستان یکی از آشکال داروهای مخدر را استفاده می کنند.»

وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا:

«استفاده نوجوانان دوازده تا هفده ساله آمریکایی از مواد مخدر در سال های 1371 تا 1374 به میزان 78٪ افزایش یافته است. بنابر این گزارش که از سوی این وزارتخانه هر سال منتشر می گردد:

نسبت افرادی که سن آنان میان دوازده تا هفده سال است و حداقل ماهی یک بار کوکائین مصرف می کنند در سال گذشته 166٪ افزایش یافته است.»

روزنامه وال استریت ژورنال:

«تعداد زنانی که در سال 1996 به دلیل سوداگری مواد مخدر در زندان های آمریکا زندانی شده اند به 23 هزار نفر می رسد که نزدیک به ده برابر تعداد زنانی است که در سال 1986 با جرمی مشابه زندانی شده بودند.» «تعداد زنانی که به دلایل غیر از قاچاق مواد مخدر در آمریکای زندانی شده اند نیز طی سال های 1986 الی 1996 از هفده هزار نفر به 39 هزار نفر رسیده است. این در حالی

است که سازمان‌های حقوق بشر گزارش‌هایی دربارهٔ شرایط بد زنان زندانی و تجاوز و تعرض به آن‌ها داده‌اند.»

کثرت زندانیان: وزارت دادگستری آمریکا: «در پایان سال 1995 از هر 167 شهروند آمریکایی یک نفر در زندان محبوس بوده و درحالی که در سال پیش از آن از هر 320 شهروند آمریکایی یک نفر در زندان‌های این کشور محبوس بوده است.»

«شهرداری شهر نیویورک به امید آن که بیشتر شدن زندان‌ها باعث کنترل جرایم و خشونت‌ها گردد یک میلیارد دلار صرف ساختن زندان‌های جدید کرده و بودجه اختصاصی زندان‌ها از 120 میلیون دلار در 1981 به 800 میلیون دلار در حال حاضر رسیده است.»

«تعداد زندانیان شهر نیویورک از 7000 نفر در 1980 به 22 هزار نفر در حال حاضر رسیده است.» «با اینکه برنامهٔ افزایش زندان‌ها جهت کنترل جرایم عملاً شکست خورده است و طی این مدت در شهر نیویورک اعمال خشونت آمیز 15٪ رشد داشته معذک شهردار جدید شهر در پی ساختن 5500 تخت جدید برای زندان‌های شهر است!» همان منبع

«بر اساس آخرین آمار موجود، تعداد زندانیان در ایالات متحده که به دلیل جرایم متعدد در زندان به سر می‌برند به دومیلیون نفر رسیده است یعنی از هر 125 نفر افراد جامعه این کشور یک نفر در زندان به سر می‌برد.»

«بررسی بودجه فدرال و ایالتی آمریکا نشان می‌دهد که طی هشت سال گذشته بودجه ساختن زندان‌ها 30٪ افزایش یافته است، در حالی که بودجه آموزش عالی 18٪ کاهش را نشان می‌دهد!»

«ایالت پر جمعیت کالیفرنیا طی دوازده سال گذشته 21 زندان جدید ساخته و تنها یک دانشگاه جدید بنا نموده است و وضعیت مشابهی هم در ایالت فلوریدا وجود دارد.»

وضعیت خطرناک دانشجویان و دانش آموزان

مرکز پیش‌گیری از بیماری‌های دکتر لیوید کلبه:

«40٪ دانشجویان مدارس عالی آمریکا الکل مصرف می‌کنند و 31٪ آن‌ها دائماً و 51٪ گه‌گاه ماری‌جوانا می‌کشند و 27٪ از الکل خوارها گفته‌اند که در حال مستی رانندگی می‌کنند و گه‌گاه با همین حالت به کلاس درس و آزمایشگاه و کتاب‌خانه می‌روند.»

بر اساس این گزارش: 13/1 دانشجویان نیز در خواب گاه‌ها و یا محیط دانشگاه‌ها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.»

«در مطالعه‌ای که در سال 1986 در مدارس ایالت کالیفرنیا انجام گرفت، هفت مورد از مسائل جاری به شرح زیر بود: استفاده از مواد مخدر، نوشیدن مشروبات الکلی، حاملگی دختران جوان، خودکشی، تجاوز، دزدی و خشونت. البته یک مورد دیگر که در سال‌های اخیر به موارد بالا افزوده شده در غالب ایالات آمریکا به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده، مسلح شدن جوانان دانش آموز به انواع سلاح‌های گرم و بعضاً استفاده از آن‌ها علیه معلمان، کارکنان و دانش آموزان دیگر است.»

«در سال 1997-1998 در 10٪ مدارس آمریکا 4100 مورد تجاوز و اقدامات تهاجمی و 7100 فقره دزدی و 1100 مورد درگیری مسلحانه میان دانش آموزان به وقوع پیوسته است.»

واشنگتن پست:

«بر اساس برآورد «برایان ری» متخصص امور تعلیم و تربیت، نزدیک به یک میلیون کودک و نوجوان آمریکایی در منزل

آموزش دیدند و به مدرسه نرفتند و این روند رو به رشد بوده و تا سال 2000 به دومیلیون کودک و نوجوان خواهد رسید.

علت عمده چنین روندی تمایل اولیا به آموزش‌های معیارهای اخلاقی و اصول دینی به کودکان می‌باشد، چرا که هرگونه تعلیم و تربیت مذهبی و حتی نمادهای دینی در مدارس آنها ممنوع می‌باشد.»

آمریکای قمارباز!

واشنگتن پست:

«آمریکاملت قماربازان شده و قماربازی به مقدار 482 میلیارد دلار در سال بزرگترین سرگرمی ملی آمریکا شده است. موسیقی، قایق و کشتی رانی، پارکهای تفریحی، مسابقات ورزشی و سینما و فیلم از جنبه سرگرمی پایین تر از قمار قرار گرفته‌اند. بر اساس آمار: تعداد ورودی به همه نوع پارک تفریحی، سالیانه 128 میلیون نفر می‌باشد.

تعداد ورودی به کازینوهای قمار، سالیانه 125 میلیون نفر، به کنسرت موسیقی سالیانه 24 میلیون نفر، به بازی‌های فوتبال

کلوپ‌های اصلی 14 میلیون نفر و به تئاترهای معمولی سالیانه 9 میلیون نفر می‌باشد...

آمار جدید نشان می‌دهد که :

جنایات در نقاطی که قماربازی رواج دارد رو به افزایش است و عده‌نوزادان خارج از چهارچوب زناشویی در سال‌های اخیر ده برابر افزایش پیدا کرده است و عده کسانی که به جرم جنایت در زندان به سر می‌برند از یک میلیون نفر گذشته است.»

فساد مسئولین حکومتی

اداره نظارت بر عملکرد کنگره آمریکا:

«نماینده گاه مجلس آمریکا در فاصله ژوئن 1989 تا ژوئن 1990 مجموعاً 8331 چک بی محل کشیده‌اند که به طور متوسط نوزده چک برای هر عضو مجلسی بوده و چک‌های بی محل برگشتی هر نماینده یک هزار دلار در سال می‌باشد... مبلغ بعضی از چک‌های برگشتی متجاوز از ده هزار دلار می‌باشد.»

بر اساس گزارش این اداره با وجود این که در اواخر سال 1989 قوانینی برای جلوگیری از این سوء استفاده به اجرا گذارده

شده ولی میزان چک‌های برگشتی و بی محل نمایندگان 8٪ افزایش یافت!»

«در دودهه 1970 و 1980 پانزده تن از سران و اعضای کنگره آمریکابه علت تخلف قانونی رشوه خواری و سوء استفاده و فساد از سمت خود استعفا داده و یا برکنار شده‌اند.»

نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس آمریکا:

«ایالات متحده باید جهان را رهبری کند 1000 اما با کشوری که در آن دوازده ساله هاباردار می‌شوند، پانزده ساله هاهمدیگر را می‌کشند، هفده ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌ها دیپلم می‌گیرند بدون این که بتوانند بخوانند و بنویسند هیچ کس رانمی‌شود رهبری کرد»

جیمز ترفیکانت، نمایندهٔ دموکرات آمریکا:

«در مدارس ما مواد مخدر هست، تجاوز جنسی هست، حتی قتل هم هست ولی به علت جدایی دین از سیاست و حاکمیت سکولاریسم اجازه نام بردن از خدا نیست.»

ویلیام بنت، وزیر اسبق آموزش و پرورش آمریکا:

«مشغول ساختن آسمان خراش‌های عظیم، زندگی لوکس، افزایش امکانات مادی و خوش گذرانی شدیم، بدون اینکه بدانیم قاتلانی را تربیت می‌کنیم که برای صد دلار بچه پنج ساله را به قتل می‌رسانند و برای قاپیدن النگوی یک زن حامله، شکم او را می‌درند و معلمی را می‌سازیم که پس از تماشای فیلم تلویزیونی دست به خودکشی می‌زند و...»

قرن بیست و یکم، قرن اسلام

«إذا جاء نصر الله والفتح. ورأيت الناس يَدْخُلون في دين الله أفواجا». فسبح بحمد ربك واستغفره أنه كان تواباً»

عده‌ای از دانشمندان و محققین و همچنین شخصیت‌هایی مانند امام امت «رض» این قرن را قرن حاکمیت اسلام پیش‌بینی کرده‌اند. و برای این عقیده خود دلایلی را ذکر نموده‌اند از جمله:

1- از هم پاشیده شدن ابر قدرت شرق

2- افول امپراتوری غرب

3- بن بست مارکسیست و کمونیسم و لیبرالیسم غربی

و دمکراسی استکباری

4- استقبال عجیب عده‌ای از روشنفکران و وابستگان دولتمردان غربی از اسلام از جمله اسلام آوردن: مشاور سابق نیکسون، فرزندمدیرعامل بی بی سی، فرزند مدیرعامل کارخانه فیات ایتالیا، رئیس حزب مائویست نروژ، تعدادی از افسران و درجه داران آمریکایی، اسلام آوردن بیست هزار زن در سال در انگلیس، داشتن سریعترین رشد در بین سایر ادیان در آمریکا و...

5- تأثیر مهم و عظیم انقلاب اسلامی بر جهان در ابعاد مختلف مذهبی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و غیره

6- اعتراف عده‌ای از روانشناسان غربی مبنی بر اشتباه بودن کنار گذاشتن مذهب از زندگی غربیان

7- اعتراف عده‌ای از مقامات کلیسا بر به بن بست رسیدن مسیحیت و رویکرد مردم به اسلام

و...

شواهد و دلایل بر ادعاهای فوق در بخش بعدی آورده می‌شود.

پایان

علل جنگ ستیزی شیطان بزرگ با اسلام

حملات اخیر آمریکا به کشورهای اسلامی بعد از حادثه سپتامبر، مخصوصاً حمله به افغانستان و عراق و شاید در آینده به سوریه و ایران و عربستان و... دارای علل ظاهری و علل باطنی می‌باشند. اما در ظاهر این حملات به تلافی حادثه سپتامبر و علیه تروریست‌ها و همچنین بخاطر غارت منابع انرژی و ثروتهای کشور مورد تجاوز آمریکا می‌باشد. که این یک سنت زشت برای آمریکا از همان ابتدای پیدایش تا کنون بوده است. اما با مرور اخباری که در یر ملاحظه

خواهید کرد متوجه خواهیم شد با توجه به اینکه این اخبار و تحلیلها مربوط به سالهای 1371 تا 1380 می باشد، علت اصلی جنگ طلبی آمریکا، جلوگیری از پیشرفت اسلام می باشد. خطری که استکبار جهانی را تهدید می کند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره ذهن سردمداران غرب را به خود مشغول کرده است.

در طول نیم قرن گذشته هیچ حادثه ای در جهان به اندازه انقلاب اسلامی توانسته است ضربه بر حیثیت بین المللی امریکا وارد کند. انقلاب اسلامی ایران که در بهمن 57 به پیروزی رسید، در حقیقت دولت آمریکا را از بزرگترین ستاد فرمانروایی و ژاندارمی این کشور در خاورمیانه محروم ساخت. حکومت ایران حافظ و مدافع دیرینه مرکز فعالیت های جاسوس سازمان سیا در خاورمیانه بود. با وقوع انقلاب اسلامی، رابطه ایران با قوی ترین متحد خاورمیانه ای یعنی اسرائیل قطع شد و سفارت آن کشور در تهران تعطیل گردید و کلیه دیپلمات ها و جاسوسان صهیونیستی همراه با بیش از چهل هزار کارشناس و مستشار آمریکایی از ایران اخراج شدند، و سائل استراق سمع و جاسوسی آمریکا در ایران برچیده شد و جریان نفت بر روی دولتهایی مانند اسرائیل و آفریقای جنوبی قطع

گردید. ایران از پیمان استعماری سنتو که در سال 1959 برای دفاع از منافع و متحدین غربیش به امضای کشورهای ترکیه و ایران و پاکستان رسیده بود، خارج شد و با این خروج موجبات انحلال پیمان را فراهم کرد. قراردادهای خرید تجهیزات و وسائل نظامی از آمریکا که در زمان شاه مخلوع منعقد شده بود، لغو گردید و از همه مهمتر نُه ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت آمریکا که در طول این مدت مرکز طراحی بسیاری از توطئه‌ها، کودتاها و نافرجام، بلوا و آشوب در نقاط مختلف کشور و کارشکنی در مسیر بازسازی شده بود، بعنوان لانه جاسوسی اشغال و تعطیل شد و جاسوسان دیپلمات نمای آن بعنوان اهرمی در برگرداندن شاه مخلوع که به آمریکا پناهنده شده بود، به گروگان گرفته شدند. تمام این حوادث باعث شد که دشمنی بسیار سختی با انقلاب از طرف دولت آمریکا ایجاد گردد و برای شکست این انقلاب اسلامی، تاکنون از دهها توطئه و نقشه استفاده نماید که با امدادهای غیبی الهی و رهبریهای امام امت و در حال حاضر مقام معظم رهبری، تلاشهای این قدرت شیطانی به جایی نرسیده است. و تاکنون صدها توطئه و نقشه برای شکست این انقلاب طراحی نموده‌اند ولی با امدادهای غیبی و رهبری‌های حکیمانه امام

امت و مقام رهبری با شکست مواجه شده‌اند. لذا با حمله نظامی به کشورهای اسلامی می‌خواهند که به زعم خود مانع از پیشرفت اسلام در حداقل سرزمینهای خود بشوند. اما چون نمی‌توانند حقیقت اسلام را بفهمند خیال می‌کنند که با کشتار مسلمانان بوسیله بمب‌ها و گلوله‌ها و اشغال نظامی و تسلط بر حکومت‌های کشورهای اسلامی می‌توانند اسلام عزیز را شکست بدهند ولی خبر ندارند که همانطور که امام امت نوید داده‌اند و اندیشمندان زیادی این مطلب را تأیید نموده‌اند اسلام آنچنان گسترش خواهد یافت که در حقیقت قرن بیست و یکم را باید قرن اسلام بنامیم. بعد از حادثه سپتامبر - که در حقیقت بوسیله خود استکبار جهانی طراحی شد زیرا آنان برای رسیدن به اهداف خود و درست کردن بهانه برای حمله به کشورهای اسلامی حتی به مردم خودشان نیز رحم نمی‌کنند - فروش قرآن به بالاترین حد خود در آمریکا رسید و مردم جهان بیشتر مشتاق شدند تا با اسلام آشنا شوند و همین باعث می‌شود که نور اسلام در دل عده‌ای بتابد و آنها هم اسلام بیاورند. لذا باید استکبار جهانی و شیطان بزرگ بدانند که دوران افول قدرتش فرا رسیده است و طولی نخواهد

کشید که همانند شوروی از هم خواهد پاشید و سرنوشتی بهتر از
ابر قدرت شرق پیدا نخواهد کرد.

رادیو بی بی سی به نقل از یک تازه مسلمان:
ما باید در انتظار پیروزی اسلام در سراسر جهان باشیم.»
روزنامه ایل جورنالد ایتالیا:
«اگر وضع به همین منوال پیش بود تا دویست سال دیگر
اروپا مسلمان خواهد شد و تمامی شاخص‌ها از جمله رشد جمعیت
این پیش‌بینی را تأیید می‌کند.» «اکنون اسلام دین دوم ایتالیا و اروپا
می‌باشد و آینده از آن اسلام می‌باشد و هیچ دینی به سرعت اسلام
گسترش نمی‌یابد.»
رادیو آمریکا:

«این رادیو در گزارش که با پخش صدای اذان آغاز شده بود گفت:

این صدایی که مسلمانان را به نماز فرا می خواند مربوط به خیابان های پر ازدحام مرکز شهر جاکارتا یا روستایی در پاکستان نمی باشد بلکه این صدای اذان در خیابان معروف ماساچوست واشنگتن است که بیشترین سفارت خانه های خارجی را در خود جای داده است و از مناره بلند مرکز اسلامی واشنگتن که یکی از قدیمی ترین مساجد آمریکا است به گوش می رسد.» (فرید تومن، محقق آمریکایی یقین دارد که روزی که اسلام یک دین واقعی آمریکا باشد فرا خواهد رسید.)

«بر اساس آخرین آمار: بیش از ده هزار درجه دارد ارتش ایالات متحده به اسلام گرویده اند.» (بنابر گزارش رادید آمریکا، به نقل از عضو شورای مسلمانان آمریکا: شمار مسلمانان در نیروی مسلح آمریکا در حال افزایش است و نکته حائز اهمیت این است که درصد رشد مسلمانان در نیروهای مسلح بسیار از رشد جمعیت مسلمانان این کشور است.)

«خدیجه ریورا که در سال 1983 به اسلام گرویده با ایجاد یک ایستگاه رادیویی در نیویورک سعی دارد به مردم آمریکابفهماند قبول اسلام به معنای قبول یک مذهب پیشرفته است.»

احمد حنیف کواسی تازه مسلمان آمریکایی:

«من یکی از چند میلیون نفری هستم که در طول تقریباً سی سال اخیر مسلمان شده‌اند. از لحاظ آمار در اوایل قرن بیست و یکم تعداد مسلمانان در آمریکا آن قدر زیاد می‌شود که اسلام دین دوم آمریکامی‌شود و پیش‌بینی می‌شود که در دههٔ اول قرن بیست و یکم دین اول آمریکا باشد.» «این پیشرفت اسلام در یک محیط دور از اسلام صورت می‌گیرد و در آمریکا یادآوری‌های دین اسلام وجود ندارد و تعداد مساجد خیلی کم است با این حال اسلام سریع‌تر از هر دینی پیش می‌رود. از پیروان همه ادیان آن جا هستند: بودایی، چینی،... و خیلی منظم هستند ولی مسلمانان حتی یک برنامه منظم تبلیغ هم ندارند امروز به روز گرایش آمریکایی‌ها به دین اسلام بیشتر می‌شود.»

«هفته نامه آبرواتور ضمن طرح پیش بینی آندره مالرو، نویسنده بزرگ فرانسوی و وزیر فرهنگ اسبق فرانسه، از قول وی می نویسد:

قرن 21 میلادی یا اصلاً وجود نخواهد داشت و یا قرن مذهب خواهد بود.

این هفته نامه افزود:

پیش بینی مالرو به حقیقت پیوسته و در همه جا بازگشت به مذهب به چشم می خورد.

«رابرت ووتنا» استاد دانشگاه بریتسون، و «دان لاتین» گزارشگر مذهبی هم در کتابهای جدید انتشارشان با عنوان «بعد از بهشت» و «به دنبال خرید ایمان» بر اساس مصاحبه های پی در پی و داده های تحقیقاتی متفقاً معتقدند:

هم اکنون هجوم مردم امریکا به زندگی های مذهبی به صورت بی سابقه ای در حال افزایش است.

«توشیو کوردا»، محقق و تازه مسلمان ژاپنی:

«قبل از انقلاب اسلامی ایران هر کتابی که با عنوان و محتوای اسلامی در ژاپن چاپ می شد دارای تیراژ کمتر از هزار

نسخه بود. الحمدلله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب‌های اسلامی در ژاپن رو به گسترش رفته‌است.

مدتی پیش کتابی در مورد روح و معنویت اسلام به زبان ژاپنی نوشتم که در عرض یک ماه بیش از بیست هزار نسخه آن به فروش رفت.»

«دکتر عبدالعزیز ساشادینا، استاد دانشگاه ویرجینیا:

«در بیست سال گذشته اسلام‌شناسی در آمریکا فقط در بعضی از دانشگاه‌های بزرگ تدریس می‌شد ولی در حال حاضر تمام دانشگاه‌های کوچک و بزرگ درس اسلام‌شناسی دارند و این نشان دهنده تأثیر انقلاب اسلامی ایران است»

خبرگزاری ایتالیا:

«تنها در دو سال اخیر بیست هزار زن تحصیل کرده انگلیسی

برای نجات از تبعیض جنسی حاکم بر غرب به اسلام گرویده‌اند.»
روژه دوپاسکیه:

«به طور کلی این غیر قابل انکار است که امروزه اگر چه

دین‌های بزرگ در حال عقب نشینی و یا دست کم سرگرم دفاع از خود هستند... اسلام رو به پیشرفت نهاده است.»

روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلگمانیه:

«پس از شکست مدل‌های غربی از لیبرالیسم تا مارکسیسم

باید شاهد رنسانس اسلام بود.»

گزارشگری سی‌ان‌ان آمریکا:

«ماه مبارک امسال (1374) نشانگر رشد فزاینده اسلام و

علاقه روزافزون سراسر دنیا به فراگیرترین دین جهان بود.» «اسلام

شاهد یک دوره شکوفایی دوباره است.»

روزنامه اسپانیایی ا.ب.ت:

«اکنون در نقاطی که حتی جانشینان آیت الله خمینی فکر

آن رانمی‌کنند انقلاب اسلامی در حال گسترش است.»

اسقف اعظم کلیسای سوئد:

«ما نمی‌توانیم با این ارزش‌های نامشخص و غیرواضح و

التقاطی و مسیحی که تصور می‌کنیم واضح و صحیح است بیش از

این ادامه بدهیم و من معتقد هستم که اسلام یک عامل بیدارکننده ما

خواهد شد.»

فیلیپ روند، نویسنده غربی:

«اسلام بسیاری از مردم، به ویژه مردم اروپا را به سوی خود جذب می‌کند.» «آن چه غرب را بیش از پیش نگران می‌سازد این است که حضور اسلام در غرب هر روز تقویت می‌شود و به قول بعضی از غربی‌ها اسلام به بمب ساعتی تبدیل می‌گردد.»

«غرب اکنون در برابر شمار زیادی از روشنفکران و اندیشمندان و هنرمندان و بازرگانانی که اسلام را انتخاب نموده‌اند سرگردان شده‌است.»
مجله اشپگل:

«بیش از هشت هزار نفر زن آلمانی در اوایل سال جاری مسلمان شده‌اند، بسیاری از این زنان مسلمان آلمانی، نماز را در محل کار خود و در برابر دیگران برگزار می‌کنند.»
روزنامه فرانسوی فیگارو:

«امروزه جوانان فرانسوی بیش از پیش به اسلام روی می‌آورند.» خبرگزاری رسمی ایتالیا:
«تنها در دو سال اخیر بیست هزار زن تحصیل کرده انگلیسی به اسلام گرویده‌اند.»

مجله ایندی پندت:

«توجه شهروندان انگلیسی به اسلام، پدیده در خور توجهی است که در سالهای اخیر رشد آن در میان حلقه اشراف سرعت بیشتری پیدا کرده است تا آنجا که هم اکنون فرزندان برخی از سرشناس ترین اعضای این طبقه در زمره گروندگان به آیین اسلام قرار گرفته اند.» از جمله این افراد «یحیی برنت» پسر جانت برنت مدید عامل رادیو و تلویزیون بی بی سی و دختر و پسر «قاضی اسکات» رهبر کمیسیون اسکات و فرزندان برخی دیگر از رهبران اقتصادی و اجتماعی جامعه انگلیس هستند.» نکته در خور توجه این است که این گروندگان به اسلام همگی از بالاترین درجات تحصیلی برخوردارند و با توجه به نفوذ اجتماعی و موقعیت فردیشان اسلام آوردن آنها تأثیر به سزایی در میان همگان داشته است.»

نشریه تایمز:

«در حالی که اختلاف میان فرقه های مسیحی و کلیساهای آنان روز به روز عمیق تر می شود بسیاری از مردم انگلیس که اکثر آنها را زنان تشکیل می دهند به طور غیر منتظره ای به اسلام روی می آورند.»

نحوه مسلمان شدن رهبر مائویست نروژ:

«وابسته فرهنگی سفارت ایران در نوژ در این رابطه می گوید: در ایام اقامت در اسلو پایتخت نروژ هنگامی که روزنامه هارا بررسی و ترجمه می کردم به مقاله ای برخورددم با این عنوان: اسلام به زودی به غرب می آید، بعد از جست وجو فهمیدم که این مقاله به قلم دکتر لین سادرهبر حزب مائویست نروژ می باشد.

ایشان تحصیلات خود را در انگلستان گذرانده و فردی مبارز بوده و چندبار جهت کمک به مسلمانان به فلسطین سفر نموده و در جریان معروف سپتامبر سیاه و حمله اردن به فلسطینی ها مجروح گردید...

با تلاش فراوان ایشان را پیدا کردیم و ارتباط برقرار شد. بسیار در مورد ایران و انقلاب و اسلام کنجکاو بود...

بعد از برگزاری جلسه اولی که با ایشان داشتیم و سؤال های ایشان را پاسخ گفتیم از ما خواست که در جلسه دیگری با اعضای حزب همین سخنان را تکرار کنیم...

تا این که دکتر لین ساد همراه دکتر اریک فویسر به مناسبت جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شدند، این

سفر آن قدر برای آن‌ها جالب توجه بود که این دو عاشق و شیفته انقلاب شده بودند.

بعداً ایشان مقاله‌ای نوشتند با این عنوان به زودی انقلاب ایران جهانی می‌شود.

روزی در مورد قضایای غدیر خم سؤال نمود، توضیح دادم، در آن هنگام حالت بسیار عجیبی داشت، عصر آن روز از انجمن حسینی تماس گرفتند و گفتند بعد از نماز مغرب و عشا مراسم داریم، کسی می‌خواهد مسلمان شود. اصلاً گمان نمی‌کردم این فرد دکتر لین ساد باشد... ایشان شیعه شدند و نام علی را هم برای خود برگزیدند...

بعد از مدتی «آنا بریت» همسر ایشان با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد.)

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل
من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله
علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»

یکی از طلاب محصل دانشگاه واشنگتن:

«الان آماری که مؤسسات رسمی آمریکا ارائه داده‌اند این
است که اسلام نسبت به سایر ادیان سریع‌ترین رشد را داشته
است. گرچه مؤسسات آمارگیری عمدتاً در دست یهودی‌هاست ولی
این آمار واقعی است و این را نه به نفع ما بلکه به عنوان زنگ خطری
برای خودشان اعلام نموده‌اند.

یکی از زمینه‌هایی که برای تبلیغ و نشر اسلام بسیار مؤثر
است زندان‌های آمریکا است. فردی از یک زندان در شهری دور

افتاده از ایالت تگزاس عنوان کرد که ما چهار هزار نفر زندانی هستیم. از این جمع هفده نفر مسلمان شدیم، برای ما کتاب و قرآن بفرستید.

ما نیز کتاب هایی برایشان ارسال کردیم و پس از یک سال با یک بررسی مجدد متوجه شدیم که این 17 نفر به 250 نفر سپس به 800 نفر و بعد به نصف زندان (2000 نفر) تبدیل شده اند.»

پروفسور خوزه مارتینز رئیس دانشکده تاریخ باستان
کمبلوتنسه:

«اسلام دینی کامل است و جامع با تمام قوانین صحیح زندگانی، من شخصا قرآن را پنج بار مطالعه کرده ام. در سطر سطر آن قانون و ثبات دیده می شود. و از آن گذشته به نظر من اسلام دینی بسیار آسان و فهمیدنی است و... ولی شما می بینید در مسیحیت به اندازه ای روایات گیج کننده است که گاهی یک کشیش هم سرنخ تثلیث را از دست می دهد.» «در نهایت مسیحیت به یک مذهب می رسد ولی در اسلام به مجموعه قوانین خواهی رسید.»

مشاور سابق نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا که
مسلمان شده:

«نه مسیحیت و نه یهودیت هیچ یک توانایی ابداعی یک نمونه و یا چهارچوب فکری مناسب برای خروج از این هرج و مرج (در آمریکا) را ندارند، چنین چیزی تنها در اسلام وجود دارد و در عناصر اسلامی به خوبی دیده می شود، عناصری که در عین اسلامی بودن می تواند مغز و فرهنگ تملک آمریکا شود.»

اسمون دانکه، افسر تازه مسلمان آمریکا:

اسلام بهترین روش اداره زندگی، جامعه و خانواده می باشد. به ویژه اکنون که جهان غرب ارزش های اخلاقی را از دست داده است و رشته خانواده از هم گسیخته و نژادپرستی بار دیگر جان گرفته است.»

خانم سمیه، تازه مسلمان فنلاندی:

«من از زمانی که مسلمان شده ام احساس می کنم که یک زن آزاد دارای ارزش های معنوی و انسانی هستم. اسلام برای زنان ارزش بسیار عالی قائل است.»

پروفسور یاووس اوسس، تازه مسلمان آلمانی:

«من با توجه به حقایق آشکاری که در متن جوامع حکومت های غربی می بینم و با توجه به الهاماتی که از اشارات

ورهنمودهای پیامبرگونه امام خامنه‌ای می‌گیرم، یقین دارم که قرن چهاردهم هجری قرن امام خمینی (قدس سره) و امام خامنه‌ای است. و این بزرگواران حکومت بر زمین را به دست صاحب الزمان (عج) مژده می‌دهد تا بعد از این همه اعصار قرون به نام اهل بیت پیامبر (ص) باشد.»

جرج بوش پدر:

«من از رئیس وقت سازمان سیا که به دلیل پیروزی انقلاب ایران از کاربرکنار شد، پرسیدم، یعنی شما با این همه آدمی که در دنیا دارید با این همه تجهیزات فوق پیشرفته با این همه بودجه‌ای که صرف می‌کنید نتوانستید انقلاب مردم ایران را پیش بینی کنید؟ او در پاسخ به من گفت:

آن چه در ایران روی داده است یک «بی تعریف» است، کامپیوترهای ما آن را نمی‌فهمند!»
امام جمعه نیویورک:

«برخی از مسیحی‌ها در مدرسه مسلمانها ثبت نام کرده‌اند. به پدر یکی از آنها گفتم که ما در این مدارس، دروس دولتی نداریم، به

دانش آموزان قرآن هم می آموزیم، ظهرها هم نماز جماعت داریم و چه بسا فرزند شمادر آینده مسلمان شود. او جواب داد: من نمی خواهم فرزندم فاحشه یا معتاد شود.»

«از فردی تازه مسلمان در ایالت بوستون آمریکا پرسیدم: اسم شما چیست؟ گفت: نامم علی است. گفتم: کی مسلمان شدی؟ گفت: حدود یکسال است. گفتم: چه شد که مسلمان شدی؟ او برای پاسخ رفت و کتاب شریف نهج البلاغه را که به زبان انگلیسی ترجمه شده بود، آورد و انگشت خود را زیر جمله ای گذاشت و گفت: این جمله مرا مسلمان کرد.

و همین طور که تعریف می کرد بلند بلند گریه می کرد. من این جمله را دیدم و عربی آن را جستجو کردم، همان جمله ای است که مولایم فرمایند: **وَلِلّٰهِ لَوْ اَعْطِيتِ الْاَقَالِیْمَ السَّبْعَةُ بِمَا تَحْتَ اَفْلَاكِهَا عَلٰی اَنْ اَعْصٰی اللّٰهُ فِی نَمْلَةٍ اَسْلِبُهَا جَلْبَ شَعِیْرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ وَاَنْ دُنِیَا كَمَ عِنْدِی لَاهُوْنَ مِنْ وَرَقَةٍ فِی فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا**»
به خدا سوگند اگر اقلیم های هفتگانه با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه ای

نافرمانی کنم هرگز نخواهم کرد و این دنیای شما از برگ جویده‌ای
که در دهان ملخی باشد نزد من خوارتر و بی ارزش تر است.

آن تازه مسلمان آمریکایی می گفت: این عبارت نهج البلاغه
مرا منقلب کرد، این عبارت مرا کشت. من علی (ع) را نمی شناختم تا
این که این کتاب (نهج البلاغه) بع دستم رسید. به مؤسسه ناشر زنگ
زدم و به روحانی آن جا گفتم: می خواهم علی (ع) را بشناسم. او گفت
اگر بخواهی علی (ع) را بیشتر شناسی باید بیشتر مطالعه کنی. برایم
برنامه تدریس نهج البلاغه را گذاشت و من مسلمان شدم. و اکنون خدا
می داند چقدر اسلام را دوست دارم.»

رابرت کالستون، دانشمند کانادایی:

«از نظر من که یک غربی و فرد غیر مسلمان هستم این
معجزه است که یک انقلاب مکتبی و الهی بتواند در جهان امروز این
طور تحقق پیدا کرده و در جهت استقرار عدالت به پیش برود، این
انقلاب بدون شک از جانب خداوند حمایت می شود»

شبکه اول تلویزیونی بی بی سی:

«آن چه در ایران در سال 1979 رخ داد نه تنها برای
ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود، نقطه عطفی که

از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول گرایی مذهبی خبر می‌دهد.» در سراسر جهان، پیروان دیگر ادیان مانند مسیحیت، یهودیت و هندو نیز به اصول گرایی مذهبی روی آوردند، حتی در ترکیه نیز که هفتاد سال قبل با مذهب وارد جنگ شده بود روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است.»

گیدنز، جامعه شناس انگلیسی:

«در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی «مارکس»، «دورکیم» و «ماکس وبر» با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند ولی از آغاز دهه هشتاد با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوسی را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.»

لخ والسا، رئیس جمهور لهستان:

انقلاب شما روی ما هم اثر گذاشت و ما خوشحالیم از این که در کشور شما یک انقلاب بر اساس دین صورت گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای فکری دینی حتی در سطح حکومت هاشد، ولو در کشورهای مسیحی.»

طلال عترسی، استاد دانشگاه لبنان:

«رهبری امام خمینی «رض» و پیروزی انقلاب اسلامی اساس

حرکت و تمدن جهان کنونی می باشد.»

امام خمینی (رض):

«نهضت ملت شریف ایران برای قطع ایادی دشمنان ادامه دارد و تا آمریکا و سایر ابرقدرتها به ستمکاری و جنایات خود ادامه می دهند ملت ما به مقابله و مبارزه خود با آنان ادامه می دهد و استقلال همه جانبه خود را با تمام قوا حفظ می کند. بر روشنفکران است که هر چه بیشتر در رسوای ابرقدرت ها بکوشند و امیدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام که مبارزه با قدرت های ستمگر است، هیچ گاه منحرف نشود و برای به ثمر رساندن اهداف اسلام از پای ننشیند، چنانکه امیدوارم ملت های مسلمان و خصوصاً ملت مبارز ایران، در این هدف کوشا باشند و مبارزه خود را علیه ستمگران شرق و غرب ادامه دهند.»

«بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید، ابرقدرتها برای نابودی شما هر روز نقشه می کشند ولی انّ کید الشیطان کان ضعیفا»

«این حقیقتی است که ملت ما به انقلاب عادت کرده اند و امروز همه انقلابی و آماده شهادت هستند. من جدا اعلام می کنم که ما می توانیم به آسانی در برابر تجاوز آمریکا بایستیم. امریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم. دولت امریکا مفهوم شهادت را نمی فهمد. ما با چنین روحیه ای است که همه مشکلات ایران را حل می کنیم. به شعارهای مردم نگاه کنید که می گویند، «کارتر نمی داند منطق شهادت چیست». باید به شما بگویم که ضایعاتی که با آن روبرو هستیم زایده پنجاه سال خیانت خاندان پهلوی است و حداقل بیست سال ترمیم آن طول می کشد. آزادی و جمهوری اسلامی برقرار شده اما استقلال کامل نیازمند قطع وابستگی به شرق و غرب است و آن هم هدفی است که ما به آن خواهیم رسید.»

«ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه امریکا شروع کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید

را در جهان بیافرازند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید. آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریائی و زمینی قرن بدهند؟»

منابع

عصر امام خمینی (قدس سره) میراحمد رضا حاجتی
از جورج واشنگتن تا جورج بوش احمد ساجدی
ورای رویدادهاش 20 معاونت سیاسی تیپ
83 امام جعفر صادق (ع)
حجاب مودودی مصری
روزنامه های:
اطلاعات، کیهان، جمهوری اسلامی، ابرار، اخبار، همشهری،
رسالت
مجلات:

کيهان هوائی، پیام انقلاب، يالشارات، دانستنيها، پرتو، پیام زن،
امامت، بصير

پايان